

یک کارشناس بازار سهام تشریح کرد

چهار دلیل عمده رشد بورس



● **تغییر نرخ ارز نیما‌یی به ارز توافقی چه تبعاتی را به دنبال داشته است؟**

ما باید واقعیت‌های اقتصادی را در نظر بگیریم. تلاش برای اعمال دستوری نرخ ارز یا پیشنهادهاتی که به دنبال پایین آوردن نرخ دلار هستند، عملاً هیچ تأثیری در بهبود وضعیت معیشت مردم و اقتصاد کشور ندارد و تنها به ایجاد رانت منجر خواهد شد. این سیاست‌ها در واقع به واردکنندگان و سوداگرانی که در مقوله واردات فعالیت می‌کنند، رانت می‌دهند و باعث سوءاستفاده از این شرایط می‌شوند. همچنین در گذشته نیز با سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی شاهد همین مشکلات بودیم که به جای تأثیر مثبت در معیشت مردم، صرفاً رانت‌های کلانی برای برخی افراد خاص ایجاد کرد. شاهد این موضوع، پرونده‌های متعدد قضایی ناشی از ارز ۴۲۰۰ تومانی است. در آن زمان، نرخ دستوری تعیین شد و پافشاری بر نگه‌داشتن آن برای کنترل تورم صورت گرفت، غافل از اینکه عده‌ای با بهره‌گیری از نفوذ و رانت‌های موجود، از این ارز یارانه‌ای به روش‌های مختلف سوءاستفاده کردند و به جای واردات کالاهای اساسی و ارزاق عمومی، کالاهای لوکس مانند موبایل، خودرو و سایر محصولات گران‌قیمت وارد کرده و آن‌ها را با نرخ ارز آزاد فروختند. طبیعتاً مدافعان این سیاست‌ها تلاش می‌کنند تصمیمات صحیح دولت را زیر سؤال ببرند، در حالی که این تصمیمات به‌طور عینی با وضعیت موجود اقتصادی کشور و با توجه به متغیرهای کلان اقتصادی مانند قدرت پول ملی، نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، حجم نقدینگی و دیگر شاخص‌ها مطابقت دارد.

حدود هفت مرتبه در سال ۱۴۰۳ یکی از شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده سطح ارزندگی بازار نسبت به سال‌های گذشته بوده است. همچنین کاهش ارزش دلاری بازار سهام از ۳۳۰ میلیارد دلار به کمتر از ۱۳۰ میلیارد دلار از دیگر شاخص‌های مهم در این زمینه به شمار می‌آید. شاخص سوم، کاهش فاصله نرخ ارز دولتی و عرضه آزاد است که به نوعی پتانسیل رشد شرکت‌های صادرات‌محور و رازآور را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه بخش اعظم سود شرکت‌های بورسی ما از صنایع پتروشیمی، پالایشی، فولاد، کانی‌های فلزی و غیرفلزی تأمین می‌شود، افزایش نرخ ارز دولتی که به‌طور طبیعی در اثر تورم رخ داده، بخشی از افزایش درآمد این شرکت‌ها را رقم می‌زند. این تغییرات تأثیر مستقیمی بر سود عملیاتی و حاشیه سود شرکت‌ها خواهد گذاشت. نکته دیگر، افزایش بیش از حد بازارهای موازی و رقابایی مانند مسکن و خودرو است. همچنین، تحت کنترل قرار گرفتن بازار ارز و سکه موجب شده تا سایر بازارها تقریباً به نقطه اشباع برسند. به‌ویژه در بازار مسکن و خودرو، خروج نقدینگی از این بازارها به دلیل جذابیت بورس و سطح ارزندگی آن، نقدینگی را به سمت بورس هدایت کرده است. این عامل به‌عنوان یکی از دلایل مثبت برای بازار سرمایه به حساب می‌آید. با توجه به این عوامل پیش‌بینی می‌شود که شاخص کل بورس تا پایان سال جاری، در بدبینانه‌ترین حالت، به سطح سه و نیم میلیون واحد برسد. این پیش‌بینی نشان‌دهنده افزایش حدوداً کمتر از ۲۰ درصدی در بازدهی شاخص کل بورس است.

رامین بیات

روزنامه نگار

گفت‌وگو

بورس تهران طی سه ماه اخیر مسیر رشد را در پی گرفته و رکوردهای قابل توجهی را شکسته است. به نظر می‌رسد تا پایان سال وضعیت بازار سهام صعودی باشد. این موضوع خوشایند بسیاری از اهالی بازار سهام است که طی چهار سال گذشته متحمل زیان‌های فراوانی شده‌اند. در چنین شرایطی آن‌ها برای جبران ضررهای سال‌های پیشین نیاز دارند بورس بیش از این‌ها رشد کند. فردین آقابزرگی، کارشناس بازار سهام در گفت‌وگو با «آتی‌نو» به بررسی و تحلیل آخرین وضعیت بورس پرداخته است.

● **با توجه به قرار گرفتن شاخص کل بورس در محدوده سه میلیون واحدی، آیا بورس تا پایان سال به روند صعودی خود ادامه خواهد داد؟**

بله، به اعتقاد من تا پایان سال جاری، شاخص کل بورس می‌تواند حداقل به سطح سه و نیم میلیون واحد دست یابد.

● **مهم‌ترین علل رشد اخیر بورس شامل چه مواردی می‌شود؟**

سبزپوشی بورس علی‌رغم اینکه از ابتدای سال تاکنون، شاخص کل حدود ۳۵ درصد و شاخص هم‌وزن ۱۶ تا ۱۷ درصد بازدهی داشته‌اند، در مقایسه با سایر بازارها مانند دلار، سکه و طلا چندان درخشان و قابل توجه نیست. با این حال، رشد مذکور دلایل بنیادی دارد. حتی با وجود ریسک‌های سیستماتیک، می‌توان به چهار متغیر و شاخص کلیدی اشاره کرد که دلایل توجهی روند افزایشی بورس را نشان می‌دهند. این موضوع اهمیت عوامل بنیادین در وضعیت بازار سرمایه را آشکار می‌سازد.

● **لطفاً به برجسته‌ترین دلایل اشاره کنید؟**

در درجه اول، اظهارنظرها و اعلام مواضع مسئولان اقتصادی ازجمله رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان بورس و وزیر اقتصاد در راستای حمایت از بازار سرمایه بوده است. این حمایت‌ها به‌طور جدی و عینی در مصادیق مثبتی مانند نرخ سود بانکی و تطبیق ارزش قیمت دلار در بازار آزاد و ارز دولتی مشاهده شد. چنین اقداماتی نشان‌دهنده پشتیبانی واقعی از بازار سرمایه است. موضوع بعدی، بر اساس شاخص‌هایی است که اکنون به آن‌ها اشاره می‌کنم؛ کاهش نسبت قیمت به درآمد (P/E) از ۳۸ مرتبه در سال ۱۳۹۹ به

گزارش

بازار نوآفرین که با نام بازار (SME) نیز شناخته می‌شود، یکی از بازارهای زیرمجموعه فرابورس ایران است که از شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل شده است. هر کشوری بر اساس معیارهایی از جمله تعداد کارکنان، میزان سرمایه، ارزش دارایی، میزان فروش سالیانه و نوع مالکیت، بنگاه‌های کوچک و متوسط را از سایر بنگاه‌ها متمایز و تعریفی برای آن ارائه کرده است. به همین خاطر، تعریف همیشه یکسانی از این بنگاه‌ها وجود ندارد. بنگاه‌های کوچک و متوسط، نقش عمده‌ای در ایجاد اشتغال و به دنبال آن، افزایش درآمد و رشد اقتصادی کشورها دارند. در حالت کلی، مهم‌ترین نقش این بنگاه‌ها در اقتصاد را می‌توان در مواردی نظیر ایجاد اشتغال، هدایت بخش غیررسمی به بخش مولد اقتصاد، جمعیت پس اندازهای خرد، توزیع درآمد و افزایش انعطاف‌پذیری و تنوع‌بخشی به تولیدات کشور خلاصه کرد. بر اساس مطالعات اقتصادی، بزرگ‌ترین مانع پیش‌روی بنگاه‌های کوچک و متوسط، تأمین مالی آن‌هاست. مشکلاتی مانند تورم، قوانین و مقررات، مالیات، عدم ثبات سیاست‌ها، نرخ ارز و جرائم خیابانی نیز در سطوح بعدی بزرگ‌ترین موانع آن‌ها تلقی می‌شود. ضروری است که برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، سازوکار مشخص و منسجمی در ساختار اقتصادی کشورها وجود داشته باشد. تدوین چارچوب نهادی کارآمد برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، تدوین بسته‌های حمایتی، ایجاد نهادهای تخصصی ارائه‌دهنده خدمات به بنگاه‌های کوچک و متوسط و تأسیس نهاد ضمانت اعتبار برخی از راهکارهای بهبود وضعیت این بنگاه‌ها به‌شمار می‌رود. در ایران، نهادهای مختلف با توجه به تعداد کارکنان و کارمندان بنگاه‌ها، تعاریف متفاوتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه کرده‌اند. بر اساس اعلام اداره آمار بانک مرکزی و

آرمان خالقی
دبیر کل خانه صنعت معدن و تجارت ایران

بنداشت

الزامات افزایش صادرات غیر نفتی

اگر وضعیت لجستیک کشور تقویت شده و روابط تجاری خارجی با همسایگان جهان بهبود یابد، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک جغرافیایی کشور که به‌عنوان صلیب طلایی رکیدورهای شمال – جنوب و شرق – غرب به حساب می‌آید این امکان وجود دارد که تا دیر نشده بتوان کشور را به شاه‌راه تبادلات اقتصادی جهان و هاب صنایع تبدیلی و خلق ارزش افزوده مبدل کرد.

اتصال به کبردهای مختلف بین‌المللی که سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در جهان بر روی آن انجام می‌شود، وضعیت اقتصادی کشور را به‌شدت متحول و اقتصاد ما را به بخشی جدایی‌ناپذیر و ایمن از مخاطرات مبدل می‌کند.

در رابطه با تجارت چه در خصوص توان داخلی و چه در رابطه با بازارهای هدف، ضروری است اطلاعات و آمار همه‌جانبه و روزآمد و کاملی به دست بیاوریم تا با تحلیل‌های دقیق، برنامه‌ها و اقدامات عملی جدی را میسر ساخته و با چشمانی باز در بازارهای هدف حضور داشته باشیم.

بازرگانی که می‌خواهد در یک بازار به فعالیت بپردازد، باید از قوانینی که در آنجا اجرا می‌شود اطلاع داشته باشد، سلیقه و رفتار مصرف‌کنندگان و کارکرد رقبا را به خوبی بشناسد و این اطلاعات شامل آمارهای دقیق و مستند و منبعث از مطالعات روزآمد بازار باشد. تقویت مشارکت و سرمایه‌گذاری‌های مشترک برای حضور در بازارهای بین‌المللی، ایجاد سهولت در تأمین منابع مالی مورد نیاز، در دسترس قرار دادن آموزش‌های تخصصی، مورد نیاز و تأمین سرمایه انسانی خبره صادراتی، اتخاذ سیاست‌های تشویقی از قبیل تخصیص و پرداخت به‌موقع جوایز ویژه صادراتی و تخصیص هدفمند تسهیلات سفر و پارانه‌های ویژه برای حضور در رویدادها و نمایشگاه‌های بین‌المللی، از جمله اقداماتی به‌شمار می‌آید که برای پیشبرد اهداف صادراتی باید مدنظر تصمیم‌سازان قرار گیرد. در موضوع صادرات شایسته است با تقسیم کار و پرهیز از پراکنده‌کاری و موازی‌کاری هر حوزه و مقصد و منطقه اقتصادی تمرکز ایجاد شده و این پروژه را گروهی متخصص (به‌طور مثال اتاق‌های بازرگانی مشترک یا اتاق‌های بازرگانی شهرستان‌ها یا سایر تشکلات‌های توانمند هم‌راه شرکت‌های تخصصی صادراتی ذی‌صلاح) مدیریت کرده و به عنوان سرپل‌های صادراتی علاوه بر سیاست‌گذاری و مدیریت بالادستی، امکان توزیع عادلانه اطلاعات و فرصت‌ها را فراهم آورده و به تمامی فعالان اقتصادی همانند کنندهای قدرتمند در این بازارها کمک کنند.

باید سازوکاری فراهم کرد که اتاق‌های مشترک، مراکز توسعه تجاری، انجمن‌های دوستی، میزهای تخصصی، رابزن‌های تجاری، وابسته‌های اقتصادی و سفارتخانه‌ها، کنسرسیوم‌های صادراتی و فعالان اقتصادی بتوانند به‌عنوان برنامه‌ای هماهنگ و متمرکز ملی وارد این چارچوب‌های هم‌افزایی شوند. توجه به تراز تجاری مثبت و بده بستان‌های متقابل با کشورها این قابلیت را داراست که روابط اقتصادی پایدار را برای ما به دنبال داشته باشد. در خصوص موضوع توسعه صادرات لازم است توجهات را به این امر جلب کرد که حضور مستمر و فعالانه تاجار ما در بازارهای بزرگ و با پتانسیل بالا مانند بازار آفریقا، فرصت‌های جدید و بکری را در برابر تولیدکنندگان کشور قرار می‌دهد اما برای رفع مشکلات صادرکنندگان چاره‌جویی برای برخی مسائل بسیار حائز اهمیت است. در این رابطه با توجه به تحریم‌های موجود، شرکت‌های صادرکننده ایرانی مجبورند محصولات خود را از کانال‌های بندر مرسین ترکیه و یا جبل‌علی دبی صادر کنند که این امر موجب تحمیل هزینه بالایی برای هر کانتینر به صادرکننده شده و این هزینه مازاد، موجب برتری صادرکنندگان رقیب مانند دبی و ترکیه نسبت به ایران می‌شود. همچنین امکان رقابت صادراتی با شرکت‌های رقیب خارجی در زمینه هزینه حمل در پایی را به معضل تبدیل می‌کند. با توجه به عدم موقعیت کمک‌های مالی به کشتیرانی جمهوری اسلامی برای تسهیل صادرات مستقیم از بندرعباس به کشورهای هدف، می‌توان کمک‌هزینه حمل را به شرکت‌های صادراتی بر اساس اظهارنامه‌ها و بارنامه‌های موجود پرداخت کرد. برای حل مشکلات حمل‌ونقل زمینی به مقاصد اروپایی که کامیون‌های ایرانی به دلایل عدم احراز استانداردهای جدید اروپایی یا عدم امکان دریافت ویزا برای رانندگان دچار مشکل شده‌اند، می‌توان از برخی راهکارها بهره برد. عدم امکان صادرات محصولات به برخی کشورها به جهت قوانین تحریم و درج ساخت ایران و اطلاعات مربوط به ایران بر روی بسته‌بندی‌ها و ممنوعیت درج کلمات و حروف مشابه عربی و... موضوعاتی است که توسط صادرکنندگان با شناخت صحیح و سرعت عمل در انطباق با مقررات کشور مقصد با صدور مجوز لازم و در برخی موارد با استفاده از ظرفیت دیپلماسی سیاسی قابل حل است.

● یکشنبه ۲۳ دی ۱۴۰۳ ● شماره ۴۶۴

بنابراین به نظر می‌رسد مطرح کردن این مباحث که به دلیل افزایش نرخ دلار ضرورت دارد سیاست‌های نادرستی اتخاذ شود، غیرکارشناسی است. با این افزایش، نرخ دلار در واقع به سطح متعادل خود نزدیک شده و این مسئله در راستای تقویت وضعیت اقتصادی کشور قرار دارد. اگر ما بخواهیم وزیر اقتصاد را زیر سؤال ببریم و از او توضیح بخواهیم که چرا این اقدام صورت گرفته، باید بگوییم که سیاست‌های ارزی‌اشی که در گذشته دنبال کردیم، جز از دست دادن منابع ارزی هیچ دستاوردی نداشت. به نظر بنده شهامت وزیر اقتصاد در اتخاذ تصمیمات صحیح، حتی اگر از آن انتقاد شود، باید مورد تقدیر قرار گیرد. این تصمیمات به‌طور معقول با وضعیت اقتصادی کشور و نیاز به اصلاحات در جهت تقویت پول ملی و اقتصاد کشور هم‌راستا هستند.

● **آیا در حال حاضر بورس می‌تواند به تأمین مالی تولید کمک کند؟**

بورس از مهم‌ترین بسترها برای تأمین مالی شرکت‌ها و صنایع به شمار می‌رود؛ موضوعی که مسئولان دولتی از جمله وزیر اقتصاد نیز به آن اذعان دارند. همچنین، طبق گفته رئیس سازمان بورس، ارزش بازار سرمایه ایران بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. این عدد بی‌پایه و اساس نبوده و ظرفیت‌های بالقوه بورس را نشان می‌دهد که می‌تواند حداقل معادل تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور افزایش یابد، به‌شرط آنکه دخالت‌های دولت در بازار سرمایه، مانند دست‌اندازی به سود شرکت‌ها یا انحصار در انتشار اوراق و تأمین مالی، حذف شود. در چنین وضعیتی بورس نقشی اساسی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند.

● **سیاست افزایش عرضه‌های اولیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

عرضه‌های اولیه هیچ خللی به بازار وارد نمی‌کنند، برعکس جذابیت بازار سهام را افزایش می‌دهند؛ زیرا سرمایه‌گذاری در عرضه‌های اولیه، هرچند سود حاصل از آن ممکن است اندک باشد، به‌طور خودکار موجب انباشت منابع مالی در بازار بورس می‌شود. به این معنا، افرادی که وارد بورس می‌شوند، معمولاً پس از دریافت عرضه‌های اولیه از بازار خارج نمی‌شوند و پس از فروش این سهام، دوباره منابع خود را وارد بازار سرمایه می‌کنند. این امر نه تنها ظرفیت بازار را افزایش می‌دهد، بلکه باعث افزایش ارزش روز بازار و پتانسیل ورود نقدینگی به بورس خواهد شد که در نهایت موجب رشد و تقویت بازار سرمایه است.

شرکت‌ها و فرهنگ سازمانی بازتر، زمینه‌ای ایده‌آل برای پرورش و اجرای ایده‌های جدید ایجاد می‌کند. بسیاری از فناوری‌ها و اختراعات نوین در سطح جهانی از آن‌ها نشأت می‌گیرند. این نوآوری‌ها نقش مهمی در افزایش رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی کشورها دارند.

این کارشناس بازار سهام ادامه داد: «از منظر اجتماعی و اقتصادی، بنگاه‌های کوچک و متوسط تأثیرات مثبتی در توزیع درآمد و کاهش نابرابری دارند. این شرکت‌ها با ایجاد فرصت‌های اقتصادی در نقاط مختلف جغرافیایی، تمرکز ثروت را از شهرهای بزرگ به مناطق کمتر توسعه‌یافته منتقل می‌کنند. این روند به توزیع عادلانه‌تر درآمد و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی یاری می‌رساند.

او یادآور شد: «نقش شرکت‌های SME در افزایش تولید ناخالص ملی (GDP) نیز غیرقابل انکار است. این شرکت‌ها با افزایش تولید، صادرات و بهره‌وری سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. حضور فعال آن‌ها در زنجیره‌های ارزش و بازارهای بین‌المللی به تنوع و پایداری اقتصادی کشور کمک می‌کند.»

احمدلو تأکید کرد: «شرکت‌های کوچک و متوسط ستون فقرات اقتصاد بسیاری از کشورها به حساب می‌آیند. حمایت از این شرکت‌ها از طریق سیاست‌های مناسب مالی، آموزشی و فنی می‌تواند به تقویت اقتصاد، کاهش نابرابری‌ها و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای نوآوری و اشتغال منجر شود. سرمایه‌گذاری در آن‌ها نه تنها به رشد اقتصادی یاری می‌رساند، بلکه پایه‌ای برای توسعه پایدار و عدالت اجتماعی به شمار می‌رود.»

یک بازار جدید در فرابورس

فرابورس ایران با هدف کمک به تأمین مالی و برخورداری آن‌ها از مزایای مالی، بازار نوآفرین را راه‌اندازی کرده